



عرفان قرآنی در پی خدا و کردن انسان است/ دعوت به خود در عرفان‌واره‌ها

در جامعه امروز ما متأسفانه عده‌ای در پی دستیابی به يك سری قدرت‌های خاص، رسیدن به مغیبات و یا باز کردن دکان و گردآوری مریدانی چند هستند، در حالی که يك عارف الهی، موحد بوده و به بیان قرآن کریم، «صبغة الله» پیدا کرده و به جای خود، به خداوند دعوت می‌کند.

در جامعه امروز ما متأسفانه عده‌ای در پی دستیابی به يك سری قدرت‌های خاص، رسیدن به مغیبات و یا باز کردن دکان و گردآوری مریدانی چند هستند، در حالی که يك عارف الهی، موحد بوده و به بیان قرآن کریم، «صبغة الله» پیدا کرده و به جای خود، به خداوند دعوت می‌کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدجواد رودگر، رئیس پژوهشکده دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به معرفی شاخصه‌ها و مبانی سیر و سلوك قرآنی و در نقطه مقابل آن، عرفان‌واره‌ها و معنویت‌های کاذب پرداخت و شریعت‌محوری، معرفت‌النفوس شهودی و عقل‌گرایی (عقل شکوفا شده در پرتو آموزه‌های قرآنی و اهل بیت) و قابلیت اجتماع عقل و عشق را از ویژگی‌های بارز عرفان اصیل قرآنی و اهل بیت خواند.

وی در مقابل این مؤلفه‌ها، شریعت‌گریزی، جهل به نفس و جهل به فطرت و حقیقت وجود آدمی و عقل‌گریزی و خردستیزی را از ویژگی‌های سلوك کاذب (عرفان‌واره‌ها) خواند و در ادامه سخنان خود گفت: از دیگر مبانی سیر و سلوك قرآنی آن است که سالک مگر براساس هدایت انسان کامل، یعنی راهنمایی و رهبری انسان کامل، قدم از قدم برنمی‌دارد.

اگرچه در عرفان توحیدمحورانه از باب «171#&» چون که صد آمد نود هم پیش ماست» ممکن است که فرد به جایی برسد که به کرامات و مغیبات نیز دسترسی داشته و از آنها برخوردار باشد (از چشم برخی گرفته تا کرامات نفسانی)، اما او به دنبال این مسائل نیست

راهنمایی و رهبری انسان کامل معصوم

شارح «171#& رساله‌الولاية» علامه طباطبایی بیان کرد: راهنمایی انسان کامل عام است و سالک باید خود را در پرتو این هدایت و راهنمایی‌های عامه قرار دهد و به آنها متمسک و ملتزم باشد و آن‌گاه بتواند ظرفیت و استعدادی پیدا کند تا تحت رهبری انسان کامل نیز قرار بگیرد، چون در رهبری به معنای خاص کلمه (در قبال راهنمایی)، هدایت به معنای ایصال به مطلوب نهفته است.

وی در توضیح این مطلب اظهار کرد: یعنی سالک تحت تربیت انسان کامل مکمل الهی قرار می‌گیرد و در عرفان قرآنی اساساً نمی‌توان بدون انسان کامل، چه در بخش راهنمایی و چه در بخش رهبری راه به جایی برد. در بخش رهبری، مراحل و منازل و مقاماتی باید طی شود و وقتی که سالک می‌خواهد به عالی‌ترین درجات معنوی و فتوحات غیبی برسد، لاجرم باید تحت‌الحمايه و تحت‌العناية رهبری‌های انسان کامل معصوم قرار بگیرد.

حجت‌الاسلام رودگر این پذیرش راهنمایی و رهبری انسان کامل در عرفان قرآنی را تعبیر دیگری از همان امامت‌مداری و ولایت‌محور بودن آن خواند و افزود: البته ولایت معنای دیگری نیز دارد که همان رسیدن انسان سالک الهی به جایی است که همه عالم و آدم را تحت تدبیر حق و عالم وجود را تجلی‌گاه حق و آیین‌گردان جمال و جلال الهی ببیند و تدبیر و تقدیر خود را از آن رهگذر مشاهده کند و به اصطلاح به مقام فنای الهی دست یابد.

توحیدمحوری: سالک از خدا جز خدا نمی‌خواهد

وی با بیان این‌که استاد سلوکی و پیر طریق در قرآن اولاً و بالذات پیامبران و ائمه (ع) و ثانیاً شاگردان تربیت یافته این بزرگواران هستند، با اشاره به برخی دیگر از شاخصه‌های عرفان اصیل قرآنی و شیعی گفت: از دیگر خصوصیات و شاخص‌ها و یا به بیانی مبانی عرفان قرآنی، مبنای توحیدی و ویژگی توحیدمحورانه آن است؛ بدین معنا که يك سالک عارف در سیر و سلوك اسلامی و وحیانی تنها به دنبال خداست و از خدا جز خدا طلب نمی‌کند.

نویسنده کتاب‌های «171#& عرفان قرآن» و «171#& زهره آسمان» با اشاره به این‌که در عرفان قرآنی مراد سالک حتی رفتن بهشت و نرفتن به دوزخ نیز نیست، گفت: در عرفان قرآنی سالک نه رغبت به جنت و نه رهبت از جهنم دارد؛ عبادت او احرارانه، عاشقانه و عارفانه است و او تنها به دنبال قرب الی‌الله و لقای خداوند است و از همین روست که این عرفان هم‌چنان که در قرآن آمده

(فصلت/33) ما را به خدا و نه کشف و کرامات و سخن از مغیبات، دعوت می‌کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به این‌که در عرفان قرآنی عارف در سیر تکاملی خود کنار می‌رود و تنها معروف می‌ماند، اظهار کرد: در جامعه امروز ما متأسفانه رایج شده که عده‌ای برای دستیابی به يك سری قدرت‌های ماورایی و کیهانی و رسیدن به مغیبات و پی بردن به اسرار دیگران و یا باز کردن دکان و گردآوری مریدانی چند، به آموختن عرفان روی می‌آورند و این عرفان، عرفان مورد تجویز قرآن نیست.

این محقق و پژوهشگر گفت: يك عارف الهی موحد است و اساساً دیگران را به سوی خداوند دعوت می‌کند؛ او در صدد دعوت به خود نیست و اصلاً برای او خودی در میان نمانده است تا به آن دعوت کند؛ خود او هم خدایی و رحمانی شده و به بیان قرآن، «صبغة الله» پیدا کرده و خداخو شده است؛ بدین معنا که در واقع او رنگ و بوی خدا را پیدا کرده و چنین فردی هیچ‌گاه به دنبال کسب قدرت‌های خاص طبیعی یا آسمانی و تسخیر جن و ملک و آگاهی از اسرار دیگران و ... نیست.

در عرفان قرآنی اساساً نمی‌توان بدون انسان کامل، چه در بخش راهنمایی و چه در بخش رهبری راه به جایی برد. در بخش رهبری، مراحل و منازل و مقاماتی باید طی شود و وقتی که سالک می‌خواهد به عالی‌ترین درجات معنوی و فتوحات غیبی برسد، لاجرم باید تحت‌الحمايه و تحت‌العنايه رهبری‌های انسان کامل معصوم قرار بگیرد.

رئیس پژوهشکده دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اضافه کرد: اگر چه در عرفان توحیدمحورانه از باب «چون که صد آمد نود هم پیش ماست» ممکن است که فرد به جایی برسد که به این مسائل نیز دسترسی داشته و از آنها برخوردار باشد (از چشم برزخی گرفته تا کرامات نفسانی)، اما او به دنبال این مسائل نیست.

اقسام ریاضت نفس از منظر علامه طباطبایی

شارح «رسالة الولاية» علامه طباطبایی تصریح کرد: علامه طباطبایی در انتهای تفسیر خود در ذیل آیه 105 سوره مائده که به ذکر مباحث تاریخی پرداخته است، تعبیری به کار برده و می‌فرماید: ریاضت نفس گاهی دوگونه است: يك نوع آن است که انسان در آن برای رضای خدا ریاضت و مجاهدت نفس می‌کشد و این انسان، انسانی موحد و عمل او عملی توحیدی است.

وی افزود: علامه می‌افزاید که گاهی نیز ریاضت نفس برای نفس و برای خود است و فرد در آن ریاضت می‌کشد تا خودش به مال و مقام و نام و نان و شهرت و شهوت و ... دست یابد. در عرفان توحیدی نام و نان و مقام و جاه و امثال اینها راه ندارد و این نکته نیز از شاخص‌ها و ویژگی‌های مهم عرفان قرآنی است و سالک اساساً در سلوك خود حتی فضایل اخلاقی و اوصاف کمالی (مانند علم، قدرت، حیات و ...) را از آن خود نمی‌داند و آنها را نیز به خدا نسبت می‌دهد.